تأثیر پورش مغول بر عربی سراپی در ایران
دکتر حجت رسولی
دانشگاه دانشگاه شهید بهشتی
(از ص 36 تا ص 42)
تاریخ دریافت مقاله: 1389/6/15
پذیرش: 1389/6/30

چکیده
در قرن های نخست دوره اسلامی زبان عربی با سرعت زیادی در ایران گسترش یافت و به مورز زبان به زبان سیاسی و علمی و ادبی ایران در حوزه علم اسلامی تبدیل شد. در این میان بیش از یکی از این اثرات شعر عربی در ایران به‌ویژه در قرن چهارم و پنجم قمری نام و تما می‌گرفت. حمله مغولان به سراسر ایران و پیروز تحرکات و ناشی از این تحرکات اجتماعی و سیاسی تاثیری شگفت‌انگیز بر جوانب مختلف جامعه و فرهنگ و ادبیات ایران گذاشت. این که پورش مغول و نابسامانی‌ها و تحولات اجتماعی ناشی از آن، چه پیامدهای برای زبان و ادب عربی در ایران داشت نشان داده است که این مقاله بدان پرداخته است و با تکیه بر دیدگاه‌های صاحب‌نظران و تحقیقات معاصران کوشیده است آن را تطبیق نماید. بررسی انجام شده این واقعیت را به صورت ساخت که به همان میزان که تن‌پیش از حمله مغول از فرهنگ و دانش و ادب و از جمله ادب عربی در ایران گرم بود پس از حمله مغول به سردر کرایت، اما درخشت ادب عربی را در این مرز و بوم به کلی نمک‌سیر کرده، بلکه با یک گرفتاده ادب فارسی، زبان عربی نیز به ضرورت به حیات خود ادامه داد و شاعران ایرانی که البته مدتی از اصل فارسی سرای بودند آثار فراوانی را به زبان عربی از خویش بر جای گذاشتند.

واژه‌های کلیدی: مغولان، ایرانیان، عربی سراپی، ایلخانان، شعر عربی و فارسی
h_rasouli@cc.sbu.ac.ir
1. نامی پست الکترونیکی نویسنده: h_rasouli@cc.sbu.ac.ir
مقدمه
طرح مسئله
پورش مغولان به ایران نقطه عطفی در تحولات اجتماعی و سیاسی تاریخ ایران به شمار می‌آید که تأثیرات فراوانی بر همراه ابعاد جامعه ایرانی گذاشته است. فرهنگ و ادب و از جمله ادب عربی نیز از این تأثیرات در امان نمایانده است. بدین‌صورت که تحولات مربوط به دوره مغولان تأثیرات مخرب و استفزازی بر تمدن اسلامی در ایران داشته است و در جریان ادبیات نسبت به پیش از حمله مغول، تغییرات قابل توجهی، ایجاد نموده است (حجج سیدجوادی، ص ۴۰۴). پس از حمله مغول از جریان عظمی و قدرتمند ادبیات در ایران دبیر خبری نیست و وضعیت عربی سرایی نسبت به دوره پیش از مغول به کلی متغیر است. اما اینکه عمق تأثیر این اتفاق بر ادب عربی چه آن‌درا به بروز است یا نیاز به بررسی دارد.

پس از محققان عقیده دارند که تا زمانی که اساس خلافت باقی بود و بغداد حتی به صورت ظاهری پایتخت تمدن اسلامی بود، در سرتاسر ممالک اسلامی زبان عربی همان حیطه و مقامی را داشته که زبان لاتین در قرون وسطی در ممالک اروپا دارا بود و تا حدی وسیع زبان اهل ذوق و ظرافت و لسان اهل ادب و سیاست به شمار می‌رفت. بعد از انهدام بنای خلافت توسط مغولان از مکانات زبان عربی کاسته شد و ناگزیر تا درجهای مقام خود را از دست داد. (پریانکی ادوارد، از سعدی تا...

جامه (ص ۸۳)

به هر حال این دوره دو راهی ناسازگار بود احوال علوم و ادبیات به شمار می‌آید (صفا، ص ۳۰۷). به علاوه با تضعیف خلافت بغداد و از میان رفتن کامل نفوذ و سیطره آن بر حاکمین ایرانی، طبیعی است که قدرت حاکمین فارسی‌زبان گسترش یابد و در دوره پس از مغول بیشتر ادبیات فارسی مورد توجه بوده باشد. خلاصه در این دوره با قطع رابطه با بغداد و گسترش قدرت سلاطین فارسی‌زبان، زبان عربی کمرونق شد (انیال آشتیانی، ص ۵۱۲).
تأثیر بورس مغول بر عربی سرایی در ایران

اما در مقابل دیدگاه‌هایی وجود دارد که اینکه ادبیات پس از حمله مغول و عصر ایلخانان همچنان ادامه ادبیات قرن پنجم و ششم بود و تأثیر ایلخانان و مغولان در دوره‌های بعد به عنوان هشتم پدیدار شده است و با اینکه برخی از ادبیات تنزل کرده (چون مغولان اهل ادب تبوندند) ولی در عین حال زبان و فرهنگ از میان نرفت. (خنی، ص: 498؛ فضیلت، ص: 39) حال این مسئله مطرح می‌گردد که سرانجام وضع ادب عربی و به ویژه شعر عربی در این دوره چگونه بوده است. شعر عربی چه چابک‌به داشته است و در همین میزان عربی سرایی در این دوره تداوم یافتگه است. این مسئله‌ای است که این مقاله می‌کوشد آن را تبیین نماید.

روش تحقیق

بررسی وضعیت زبان عربی در ایران دوره مغول به چند صورت امکان‌پذیر است:

یکی این که زبان عربی را نیز تابع فرهنگ و ادب با عنوان عام آن بدانیم و هر وضعیتی که برای فرهنگ ایران پیش آمده، و هر حکمی که درباره صعود و نزول وضعیت فرهنگ در این دوره می‌کنیم، همان حکم را بر ادب و زبان عربی نیز بار کنیم.

صورت دیگر این است که ادب عربی را نتابع ادبیات به معنی خاص و خصوصاً زبان و ادب فارسی بدانیم و در این صورت این بررسی وضعیت ادب فارسی در این دوره به هر ترتیب‌های رسیدگی نشود. و فراز ادب عرب را نیز تابع وضعیت ادب فارسی بدانیم و این به در این صورت باید در نظر داشته باشیم که اگرچه سرنوشت این دو ادب در طول تاریخ به هم‌دیگر پیوند خورده ولی لزوماً در همه دوران‌ها روایت و رشد هریک از دو ادب عربی و فارسی با هم‌دیگر رابطه موازی و هماهنگ نداشته است؛ بلکه در بعضی از مقاطع تاریخ رابطه عکس برآورده حکم‌فرما بوده و رواج یکی از این دیگر را در پی داشته است. مستنداتی که در عصر امروز و عصر یوسفی شواهدی از آن می‌توان نشان داد و این موضوع در این دوره نیز قابل تأمل است. صورت سوم این است که وضعیت ادب عربی چابک‌به و قطع نظر از سایر حوزه‌های فرهنگی و زبان‌ها در این عصر بررسی شود. این نوشته به هر سه صورت نظر خواهد داشت و خواهد کوشید.
وضع ادب عربی و به ویژه شعر عربی را با این سه روش بررسی کرده و با استفاده از منابع مکتوب
اعم از کتاب‌ها و مقالات و بر اساس روش تحقیق تاریخی و تحلیلی به نگارش در
آورد. مقطع زمانی این بحث قرن هفتم و هشتم هجری قمری یعنی از حمله مغول تا
آغاز دوره تیموریان و تأکید آن بر دوره ایلخانان مغول یعنی فاصله میان سال‌های ۶۵۰
۷۵۰ است.

مهم‌ترین مشکل تحقیقاتی از این دست عدم دسترسی به مجموعه‌ها و
دایرالمعارف‌های تدوین شده از شاعران و ادبیات عربی سرای این دوره است. برخلاف
دوره پیش از مغول که زندگی و نیز آثار شاعران در کتاب‌ها مفصول تدوین شده است.
همچنین درباره شاعران عربی سرای این دوره آثار چندانی وجود ندارد.
سرانجام مهم‌ترین هدف این نوشته ارائه تصویری واقعی از عربی سراییان در ایران در
عهد مغول و نشان‌دادن چاگه زبان عربی در ایران در قرن هفتم و هشتم (دوره مغول)
و تلاش برای تبیین تأثیر حمله مغول و برقاری حکومت ایلخانان بر تحول زبان و
ادب عربی و چگونگی آن در ایران است و به طور کلی نگارش به این بار است که
تحقیقاتی از این دست که میزان ارتباط زبان عربی و فارسی و اهمیت ایرانیان در طول
تاریخ به زبان عربی را نشان می‌دهد موجب همگراپی فارسی زبانی و عربی زبانان خواهد
شد.

اثرات زبان‌پاره‌یورش مغول بر تمدن اسلامی و فرهنگ و ادب:
یپ ترددی حمله مغول آثار ویرانگر و ناکارایی را بر همه‌ای دخته‌ای تمدن اسلامی و از
جمله سرزمین ایران بر چای که آثاری که تا آن‌ها بعد زدوده نشد و فرهنگ و ادب
ایران نیز از تأثیرات شوم این بارش در امان نماند و به کلی وضعیت آن دگرگون شد.
حمله مغول به ایران در درجه‌ی نخست با ویرانی شیرها و کشتار مردمان و نابودی
مظاهر تمدن همراه بود. عیارت مشهور "آمدنک وکشن و سروختن و بردن و رفتن‌ها
(مستوفی، ۵۸۹ و جوینی، ص ۸۰) بیان بسیار رسایی از قبلاً عظیم است که سال‌ها به
طول انجامید و به راحتی در تفسیر و شرح و بیان نمی‌گنجد و گوش‌های از آن را در
تأثیر بورش مغول بر عربی‌های ایران

برخی از کتب تاریخی می‌توانند مشاهده نمودند. تقلیل اطلاعات در جنین به روایت این اثر
(ص 249) و پاره‌کردن شکم زنان به بیان خوادندگان (ص 37) اگرچه نیز دشوار
است ولی برای مغولان امری عادی تلقی می‌شده است.

اما اثرات ناگوار این حادثه بر علم و علما نیز کم از نابودی شهپناه نبود. صاحب
تاریخ جهانی‌کش پیامدهای این فاجعه را برای علما و مراکز علمی چنین بیان‌های داده
است:

در این واقعه در حق مشایخ و علما مخصوصا استثنا بسیار رفت و کتب و
کتابخانه‌ها و مدارس و مساجد بسیار در این حادثه تیز و علما گشت. در بخارا
مساجد شهر، اصطنبل سنتران گشت و مصاحبه به دست و پای سه رده شد.

(جوپین، ص 83)

تأثیر ویرانگر هجوم مغولان بر فرهنگ ایران به معنای عام آن در کتب تاریخی این
دوره بازگو شده است.

جوپینی که در جای دیگر دوره مغول را روژگارها آرزو و شعوته تامیده
(همان، ص 96) درباره وضع فرهنگ و هنر آورد: هنر اکنون همه در خاک طلب باید کرد
زانگه در خاک نهانند همه پرگهران
(همان، ص 3)

یا در بیت دیگری که همو آورد: پشت هنر آن روز شکست ندرست
کسین یک هنرمند پشت به بالش دادند
(همان، ص 5)

از این دو بیت به خوبی می‌توان استنباط کرد که مغولان چون از هنر و فرهنگ
پی‌برده بودند، هنرمندان و اهل فرهنگ و ادب را به خاک ملکه نشاندند و روژگاری
سراسر آشوب و فته را آفریدند که در آن مجالی برای رشد و بالا‌رکشیدن فرهنگ و ادب
بر جای نماند. این اتفاق شوم در حالی افتاد که ایران به عنوان بخشی از تمدن اسلامی
دوران زرین شکوفایی علمی را تجربه کرده بود و مراحلی از رشد و بالندگی
فرهنگی را پشت سر نهاد بود.
در این دوران بر اثر کشتار و نامتنی و ویرانی از یکپس و از یکسانی رفتین مدارس و
کتابخانهایا و کشتی‌های پراکنده‌ای علم و دانش‌آموزی از سوی دیگر جایی برای
دانش‌آموزی و پرداختن به ادب باقی نماند.
افزون بر این خوی بابا‌نگردری و حسینی‌نگر مغولان با روح علمی‌آموزی و
ادبی‌پورنی منافع داشت. در نتیجه علم و دانش و فرهنگ روه به اقتراضه بی‌نیا و اگر
زمان‌ها برای شاخه‌هایی از علم و ادب مانند نجوم با تاریخ نگاری قرار داده گردید از آن
روی بود که مغولان به این دانش‌ها نیازمند بودند (آیلاب آشیانی، ص 49).
مورخان حمله تانر را به سیل بیان کنند تا بهره‌وری کرده‌اند که درست زمانی که شعر و
ادب، بلهک تشکیلی علم و فنون اسلامی در اوج کمال بود بی‌پروفسور و سرازیر شد و دنبال
اسلام را زیر و زبر نمود و مدت‌ها آثار مخرب آن بر جای ماند (شیلی نعمتی، به نقل
از مرتضوی، ص 186).

وضعیت ادبیات فارسی در دوره مغول:
اگر بپذیریم که فراز و فرود ادبیات در جامعه ثابت می‌باشد از تحولات اجتماعی و سیاسی
است و هرگاه جامعه در معرض تحولات اجتماعی و تبدیلی ثابت و پیشین یک معنی‌گذاری و
قروز‌گردی بر اثر گرفتن بی‌پایان اجتماعی دست‌خوش رکود خواهد شد و رو به درگیری خواهد رفت؛ در این صورت با نظر به آنچه درباره اوضاع
نابسامان اجتماعی و سیاسی ایران در پی حمله مغول گفته شد پیامدهایی این نابسامانی
بر ادبیات قابل پیش‌بینی است.
نگاهی به دوره‌های رشد و شکوفایی ادبی به خوی نشان می‌دهد که هرگاه ادبیات
به پایان‌گرفت رسیده بی‌پایان و رکود اجتماعی و بقای دستی از نمای یک سیاست در
جامعه و در سایه حمایت‌های حاکم ادبی دوست بوده است و در اثر نواختن ادبیات و
شاخصان بازار شعر و ادب گرم شده و آثار ارزشمند ادبی حاصل شده است.
تأثیر پورش مغول بر عربی سلسله ایران

دوران طولانی و با تاثیر حکومت عباسیان نمونه خوبی برای تأثیر تاثیر سیاسی و اجتماعی بر رشد و شکوفایی ادب عربی است و وجود وزیران ایرانی دانشجوی از دربار عباسیان و همچنین شکل‌گیری سلسله‌های ایرانی مانند صفاریان و طاهریان و سامانیان نمونه خوبی از تأثیر اوضاع سیاسی و خواست حاکمان در بالندگی شعر و ادب فارسی است.

این شرط لازم برای رشد و شکوفایی ادبیات که همانا بر قرار یافتن تاثیر اجتماعی است در اثر حمله مغول به کلی از ایران رخت برسنت و مشرد ممالک اسلامی شرق در نیمه اول قرن هفتم به علت انقلابات و کشکش‌ها و قتل‌ها و خرابی‌ها و در نیمه دوم آن بر اثر تلفشده کتابخانه و ویرانی مدارس و کشته شدن معلمان و مدرسین محل یا وسایل برای کسب علم و ادب که بیش از هر چیز انگست خاطر می‌خواهد نداشتند، به علاوه غالبانی به معنی مغول، نه قابل درک این قبیل لطیف بودند و نه خواهان و خریدار این گونه امتعه ... به همین مناسبت در باب معارف و علوم و ادبیات دخالت نظر مغول بیشتر جهت برانداختن آثار علم و ادب و تأثیربرنگی آنها در ویرانی مدارس و کتابخانه‌ها و قتل علماء و اهل ادب داشته‌اند.» (اقبال آشتیانی، ص ۴۹۶)

در این دوره دهه‌ها نواستانی و بازی‌های از حکم گذشته و به توهین برخی بوه‌بود و خوای نظامی مغول به هم‌رها طبیعت و وحشگری و استندلی آنان اندک مجازی بیان شعر و ادب باقی نگذاشتند. از اینرو این دوره را بر روی هم باید عده ناسازگاری به احوال علم و ادبیات و حتی دوره‌ای متناقض با وجود و ادامه آنها دانست.» (صفا، ص ۲۸۳)"(۲)

در تئیه ادبیات در این دوره صدمات گسترده‌ای دید به طوری که گفته‌اند: «وخیم از قتل و غارت آبادی‌ها و ویرانی به حضور مغول به عمد اسلامی و علم ادبیات عربی و فارسی زده است.» (اقبال آشتیانی، ص ۱۰۷) با تأمل در آنچه از تنبیهات صاحب نظران گفته شد و با ارزیابی آثار ادبی و شعر مغولی دوی مغولی بر روی کودک ادب و به سردری گراییدن بازار شعر و ادب در ایران عهد مغول به ویژه در سال‌های آغازین هنوز دولت ایلخانان استقرار نیافت. بود همراه با اینکه
ادب عربی و ارتباط آن با تحولات در ادب فارسی در دوره مغول:

آنچه درباره وضعیت کلی ادبیات و خصوصاً ادبیات فارسی در عهد مغول گفته شد درباره شعر و ادب عربی نیز صحبت است و یا نوجه به زبان‌های سه چند قرن میان ادب فارسی و عربی پدید آمده بود و با نظر به روایت شعر و ادب عربی هر یک از این دو به سوی ادب فارسی در ایران پیش از مغول بوده این تاریخ که به فهمه مغول به ایران و تضعیف ادبیات به معناک کلی آن شعر و ادب عربی نیز رو به افزایش نهاد.

افروز بر این پدید آمده ادب عربی در ایران و عوامل و انگیزه‌های آن تا حدایی با ادب فارسی متفاوت بود. ادب عربی در ایران بر اثر حمله عرب به ایران و شکل‌گیری تمدن اسلامی با گروایش به زبان عربی که زبان رسمی دربار خلافت بود پدید آمد. در دو قرن نخست استبلای عرب بر ایران زبان عربی تا حدایی بر زبان فارسی غلبه یافت و در قرن‌های بعد نزی اگرچه سلسله‌های محلی در ایران شکل گرفت و زبان فارسی به حمایت آنان تجدید حیات تمری ولی در طول دوره عباسی هرگز ایرانیان از زبان عربی فاسقه نگرفتند و شعر و ادب عربی در ایران به اوج کمال خود رسید که یکی از علل آن علاوه بر گروایش ایرانیان به دین میمون اسلام و علاقه‌مندی به زبان عربی یکفارسی، تمدن اسلامی با مرکزی خلافت عباسی بود. ادبیه دوره عباسی دوره نفوذ ایرانیان شعرده می‌شد و لی به هر حال زبان خلافت در این دوران عربی بود که زبان نخست تمدن گسترده اسلامی نیز به شمار مرفت.
تأثیر بیورش مغول بر عربی سرانی در ایران

در واقع زبان عربی اکثر در قرن‌های نخستین ورود به ایران علاوه بر زبان دینی، بر سوی بررسی و حکومتی بود و بعداً با روی کار آمدن سلسله‌های ایرانی این موضوعاتی آن به ضعف گرفته و لی‌این زبان ناپیکش از حمله مغول همراه زبان فرهنگی و ابزارهای تبادل فرهنگی و علمی در تمدن بزرگ اسلامی بود و حمله مغول برگزینه‌ها بر جنبه‌ای فرهنگی زبان عربی بود و ضرره‌ای نهایی را بر جنبه‌ای سیاسی زبان عربی وارد کرد.

ادوارد براون در این پاره به درستی می‌نویسد: ایرانی بی‌غداد به عووان پایان خود را و تبدیل آن به یک شهر ولایتی به وحدت ظاهری که تاکنون در میان ملل مسلمان وجود داشت پایان بخشید و در ایران اعتبار و مقام زبان عربی که تاکنون برگزاری وسیله مبادله‌ای درون‌هایه، به شمار می‌رفت رو به جلالی نهاد و این زبان پس از این عمل‌ها به فقر و فلسفه منحصر شد و چندان که پس از اواخر سده هفتم هجری به ندرد فرصت آن را می‌پا که از آثار عربی تأثیرگذاری در ایران گفتگو کنیم» (پراون، ادوارد، از سنابی تا سعدی، ص 121).

طبیعی است که با برچیده شدن دستگاه خلافت اسلامی در بغداد توسط مغولان، زبان عربی نیز بر اثر خشکیدن سرچشمه تغییری که تاکنون حدود مسلمانی را تحمل نماید.

تا وقتی که اساس خلافت باقی و شهر بغداد لاقابل در نظام فرض پایتخت سلطنت اسلام بود، در سرتاسر ممالک اسلامی زبان عربی همین حیثیت و مقام را داشت که زبان لاتین در قرون وسطی در ممالک اروپا و ایزدی خود؛ این عربی نه فقط جانشین تاکنون نیز باید مانده زبان فلسفه و کلام و علم شرایط می‌شد بلکه تا حید و سوی زبان بیشتر اهل دوق و فلسفات و اهل دید و سیاست به شمار می‌رفت. بعد از آن که بنای خلافت به دست مشروط منده شد از مکانت زبان عرب کاسته گردید و ناگزیر تا درجهای مقام خود را از دست داده (پراون، ادوارد، از سعدی تا جامی، ص 38).

سقوط بغداد به دست مغولان دستگاه خلافت عباسیان را برچید و در پی آن با قطع رابطه حکومت‌های ایرانی با بغداد و گسترش قدرت سلسله‌های قایسی زبان عربی کمرونگی شد. (اقبال اشترانی، صص 512 و 107)
در نتیجه اگر تا قبل از حمله مغولان و خصوصاً در قرن چهارم و پنجم، زبان عربی و عربی سرایی در ایران به قدری روان داشته که صداها و هزاران ایرانی عربی سرای در سراسر ایران نژادهای اشعار را به زبان عربی می‌سرودند، در دوره مغول دیگر از این حجم عربی سرایی بیش از مغول از سروده‌های عربی ایرانیان دیوانها و دیوان‌های معروف‌ها پیدا آمد و به کتابخانه‌ها تنها و نه به مبتلا به اشعار عربی این مرز و یک بود در عصر مغولان اوضاع به کلی متغیر بود و حتی یک اثر مشابه پیامدهای نغمه نمی‌توانست. 

گفتار ادوار دیوان درباره حجم آثار ادبی در این دوره این به دلیل این داشته که نوزادان با ادبیات عربی گفته شده، دیدگاهی نیز در خصوص جنبه ادبیای موضوع و استمرار ادبیات فارسی و عربی در ایران ابراز شده است که گاهی در ظاهر ممکن است منافقت با مباحث قبلی به نظر آید. 

اما در این دیدگاه چنین است که هرچند حمله مغولان پازار ادبیات را کساد کرد و آن را با رکود و نابسامانی مواجه ساخت، ولی موجب نابودی آن نشد، و ادب در جای‌جای ایران به ویژه مناطقی که از دست‌برده مغولان در امان مانده بود، همچنان به حیات خود ورود به صورتی ضعیف ادامه می‌داد. بعلاوه آثار مرگ‌زا حمله مغول بر ادبیات بلافاصله ظاهر نشد و بعداً خو را نمایان یافت و ادبیات در این دوره تا حدودی استمرار دوران قبل بوده و به رغم ویرانی بغداد به دست هولاکو که ضریه
تأثیر بورس مقول بر عربی ادبیات در ایران

سخنی به تمدن اسلامی در ایران و به تبع آن علم، ادب و شعر در این کشور بود، به این حال زبان علم همچنان در ایران زبان عربی بود و سروصد شعر به زبان عربی همچنان باقی ماند بعد از اشترانک. (ضیف، ص. 49)

همه ترین موضوعی که باعث شده صاحبنظار وضع ادبیات در این دوره را چنین هم ضعیف و راکد ندانند سوال تغییر تدریجی مسائل ادبی است. اگرچه گاهی در جوامع تحولات اجتماعی و سیاسی ناگهانی و سریع اتفاق می‌افتد و ظرف مدت کوتاهی نظر سیاسی به کلی دگرگون یا شرایط اجتماعی بی‌احساس و زیاده‌های می‌گردد، ولی برخلاف این تحول، تغییر در مسائل فکری و ادبی که با ذهن و انگیزه انسانها سر و کار دارد همواره با گذشت زمان امکان‌پذیر است و به یکباره اوضاع ادبی جامعه‌ای زیر و رو نمی‌شود.

در واقع اقلیت‌ها و تحولات اجتماعی هر اندازه قوی و مخرب باشد عوارض آنها خصوصاً در زمینه مسائل علمی و ادبی بلافاصله آشکار نمی‌شود. اثر و عوارض این کار و حضانت مقول نیز بعدها پیدا و انحاطات و تنازل در علم و ادبیات در ایران از قرن هشتم هجری قمری نمایان گردیده. (حج سیدجوادی، ص. 140)

بنا بر این دیدگاه، ممکن است نظام سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه‌ای دگرگون شود و نظامی جدید و متواو با گذشت جایگزین آن گردد ولی فرهنگ و ادبیات آن جامعه همان فرهنگ و ادبیات پیشین باشد و تولیدات ادبی آن رنگ و بوی ادبیات پیشین را داشته باشد. در واقع اگر چه تحولات اجتماعی و سیاسی یا دگرگونی به پاور شعر و ادب و کم و کافی آن تأثیر‌گذار است ولی نخست اینکه این تأثیر به صورت آنی اتفاق نمی‌افتد و دیگر اینکه نویسندگان و سرایندگان و در نتیجه دستاوردهای ادبی تا مدتی می‌تواند ممکن است ویژگی‌های ادبی دوران پیشین را حفظ کند. نموده بارز این مسئله را با ادبیات صدر اسلام مشاهده می‌کنیم. شعر و ادب صدر اسلام به رغم این که در محیط اسلامی پیدا آمده است همچنان در برخی از ابعاد اشمل ادبیات جاهلی بود. این امر در ادبیات صدر اسلام و به ویژه در ویژگی‌های فنی شعر آن دوره کاملاً قابل مشاهده است. علاوه بر سمایی از شخصیت محض وی شاعرانی مانند
حسن بن ثابت و کعب بن زهیر و امثال آنها که تحت تأثیر آموزه‌های اسلامی بودند (فروخ، ص 256) در سبک شعر و ساختار و وزنگی های فنی قصیدشان تا حدودی تابع شعر دوره جاهلي هستند. برخی عقیده دارند که همین وضعیت دریافت شعر و ادب در ایران دوره مغول نیز صادق است; زیرا ادبیات این دوره یعنی قرن هفتم استمرار ادبیات قرن هشتم است (حاج سیدجوادی، ص 405).

اگرچه صدمه‌ای که بر اثر استیلای مغول بر علم و ادبیات اعیان از فارسی و عربی در ایران وارد آمد، کمتر از صدمات وارد بر آبادانی شهرها و ویرانی مملکت نبوده است ولی به‌علاوه این استیلای آن قوم ظاهر نمی‌شد. بله، آن آثار آن کی در قرن وقت لازم داشته (اقبال اشتینباین، ص 7).

بنابراین این دوره دوستساله تاریخ با اینکه یکی از ناگوارترین اندیوار تاریخی ممالک اسلامی عموماً و مملکت ایران خصوصاً محسوس می‌شود، باز چون دنیاله قرون درخشنده‌ی علمی و ادبی دوره عباسی است و همچنین که باید اثرات شوم استیلای مغول ظاهر نشد، به دلیل اینکه در تاریخ علم و حکمت و ادبیات ایران یکی از معتبرترین دوره‌هایی و از پیامدهای جدای مخصوصاً از لحاظ تعداد نمایندگان در جه‌اولی که در این دوره می‌یزیستند و در این دوره نیز و سرد مشعل دار علم و ادبیات و نظام و نثر فارسی بوده‌اند ممتاز است (همان، ص 5).

مسئله دیگری که موجب گردید ادبیات ایران در دوره مغول به کلی نابود نشد و همه گرفتار همچنان خیابان خود را حفظ کند، غنای ادبیات ایران و استواری و ریشه‌داری آن در دوران این‌ها و افکار مردم این سرمزیو بود. اثر استیلای خانمانی سوز مغول با وجود ضرایب و ویران و برنامه‌بندی مشاغل علم و ادب به علت استحکام ریشه‌ای مبنی در ممالک اسلامی و علاقه مردم به معرفت به سرعت ظاهر نشد» (همان، ص 497).

به علاوه آمیختگی شدید میان ادبیات ایران و افکار باورهای دینی مردم و درون‌المندی دینی و مذهبی ادبیات ایران چه ادبیات فارسی و چه عربی خود عامل مهم در حفظ و ماندگاری حیران ادبی در دوره پراگش مغول بود. مردم ایران در هیچ زمانی ادبیات و
تأثیر بورش مغول بر عربی و اسیران در ایران

محتوا و پیام آن را از باورهای دینی اسلامی خود جدا نمی‌دانستند و اشعار فارسی و
دیوانهای شاعران نامدار این مرز و در میان این ارگهای مقدس دینی ارج می‌نهادند
و برای زبان عربی تنی به عنوان زبان دین اسلام و کتاب آسمانی آن نوعی تقدیس‌قشال
بودند. در نتیجه اکرچه مغولان به صورت تبادل را نابود کردند و لیکی اشراف
ویرانهای آنان در ادبیات، در قرن‌های بعد پدرادار شد و در عصر مغولان هنوز ادبیات
غنای پیشین خود را حفظ کرده بود. (متن، ص 498 و رجایی، ص 459)

سخن درباره غنای ادبیات ایران و تأثیر آن در استمرار و ماندگاری آن فرآیند است
ولی چون قولی است که جملگی بر آناند، از اطلاعات کلام در این مورد خودداری
می‌کنیم.

سزانیام اگر به صحت واقعیت دوره مغول رجوع کنیم و قطع نظر از استدلال‌ها و
نظریه‌های دیگری به سراج ادبیات این دوره و مشاهیر ادبی این دوره برویم نیز نیز این
موضوع که در این دوره ادبیات همچنان حیات داشته و استمرار ادبیات پیشین بوده
است اثبات می‌گردد. تعداد شاعران این دوره که به زبان فارسی یا عربی شعر
می‌سوزند کم نیست و به رغم همه مشکلات و ناپسندانی‌ها و با وجود بی‌عنایتی به
شعر و ادب و کساد بزار آن، یازده عده بزرگی با سرودن شعر نگرش مشعل شعر و
ادب را روشن نگه داشته‌اند و یا این که در این دوره بهترین توجه حاکمان مغول به
تاریخ و تاریخنگاری بوده و به ثبت و ضبط سروده‌های شاعران چندان توجه نمی‌شده، اما اشعار فراوانی از شاعران به عنوان آثار ادبی این دوره باید ماندند است. با
نگاهی به تذکره‌های بر جای مانده از این دوره که تذکره‌ای/ تاریخیان دوشاند
نمونه‌ای از آن است و همچنین با مراجعه به کتابهای تاریخ ادبیات در می‌پایین که چه
تعداد شاعران در ایستاد در زبان فارسی که سیاست نیز در عربی اسیران داشته‌اند در این
دوره رهبری مغولان. با علاوه بر همین دوره که دو درجه رکود خواننده می‌شود اتفاقاً
شخصیت‌های بر جسته‌ای در میان شاعران پیدای ماندند که سرآمد سراندازگان ایران به
شمار می‌آید و فرحی که در همین روزگار تیره و تار و عصر خونبار گذشته‌های از ظهور
مورخان و نویسندگان و عرفای بزرگ، مولانا جلال‌الدین بلخی بزرگترین آثار عرفاً
یران و جهان را به وجود می‌آورد و شکفت‌آورتر از همه این است که در پایان این تحلو و انحطاط به نقشه اوج شعر فارسی یعنی ظهور اعجوبه‌ای چون حافظ و سعید (مرتضوی، ص 10) می‌رسید.

از این رو عصر مغولان از پیشرفت جهات مخصوصاً از لحاظ تعداد نمایندگان درجه اولی که در این دوره می‌زیسته‌اند در آن ایام تیره و سرد مstütع‌دار علوم و ادبیات بوده‌اند ممتاز است و یک عده از بزرگ‌ترین شعراء و نویسندگان و حکامی ایران مثل مولاناً و امیراله، حافظ و ... در این دوره بوده‌اند (اقبال آتشیانی، ص 479).

نتیجه‌ای که باید توجه داشته‌ایم است که اوضاع ادبیات در ایران در مقطع تاریخی در قرن هفتم و هشتم که از آن به عصر مغولان در این نوشته‌نامه می‌شود یک‌سان نبوده و خود شامل چند دوره متغیر ادبی است، بدیهی است که سال‌های نخست هجوم مغولان و تا قبل از جنگ بزرگ (دوره ایلخانان) به علت هرج و مرگ شدید با دوره ایلخانان که با ثباتی نسبی روبرو هستیم شرایط ادبی نیز متغیر است. به علاوه‌ای که نظر داشتیم که برخی از ایلخانان مغول خود به دین اسلام گراییدند و سپس از علم و ادب حمایت کردند و در سایه حمایت آنان شاهد شکل گیری مراکز علمی و ادبی در ایران هستیم. مراکزی که دانشمندان برجسته و شاعران و شاعران و محققان بزرگی از آنها برخاستند (مرتضوی، ص 377) و سرانجام نکته مهم‌تر از همه تفاوت میان نوع ادبی و استلاب ادبی و شیوه‌های شعر و ادب در این دوره با دوره‌های قبل است که به خصوص در اوایل دوره ایلخانان کاملاً بروز می‌کند و تفاوت میان اشعاری که در این دوران تحت تأثیر اوضاع اجتماعی حاکم بر جامعه ایران شمرده شده با اشعار قرن‌های پنجم و ششم آشکارا بوده‌می‌شود.

پایان و ادبیات عرب در دوره مغولان:

اگرچه آنچه درباره شعر و ادب فارسی در دوره مغولان گفته شد، چه از نظر رکود و کسادی بایستی آن نسبت به قرن‌های پنجم و ششم و چه از نظر استمرار شعر و ادب
تأثیر بورش مغول بر عربی سراپی در ایران
در اینجا یاد به چند نکته توجه داشت:

یکی این که همانند زبان فارسی از رواج اخلاق عربی نیز دفعاً اتفاق نیفتاد و در دهه‌های نخست حمله مغول وضع زبان عربی در ایران تا حدی استمرار وسعت آن در نیمه دوم قرن ششم و اواخر قرن هفتم بود در اواخر قرن هفتم بود که تغییر در وضع زبان عربی بیشتر ظاهر شد و از این رو، قبیل از آن‌ها طبقه دانشمندانی که تحصیلات خود را قبل از حدود این بلیه بزرگ به اتمام رسانیده بودند درگیرندوی یعنی تا پنجاه شصت سال بعد از سقوط بغداد این انحطاط و ضعف عربیت جانان نمایان و مشهود نشده بود. لیکن در ادوار بعد علم به ادبیات عرب اگرچه همیشه دارای اهمیت و لزوم است برای محقق در تاریخ و ادبیات فارسی کمتر ضرورت پیدا می‌کند.» (براون، ادوارد، از سعادت نا جامی، ص 48)

نکته دیگر این که زبان عربی در ایران در طول دوره مغول به رغم این که به مورر اهمیت آن کاسته شده ولی هرگز و در هیچ زمانی به کلی از مبان نرفته است و از ادبیات ایران حذف نشده است. و اگر در حوزه‌های اهمیت خود را از دست داده در پسیاری از حوزه‌های علمی دیگر رواج داشت هست. از این رو ملاحظه می‌کنیم که در این دوره ا‌نشست علمای ایرانی به علم ادبی عربی زیاد است و هم تألیفات آنان به زبان عربی صورت می‌گیرد با این فرق که زبان مذکور دیگر زبان حکومتی و اشراوی نیست، بلکه فقط زبان علمی و ادبی محسوب می‌شود. (صفا، ص 383) نکته دیگر تأثیر زبان عربی در زبان فارسی است که باید این دوره را دنباله دوره پیشین دانست.

(همان، ص 327)

از این رو می‌توان گفت که زبان عربی در دوره مغولان نه تنها دیگر اهمیت و رواج دوره‌های قبل را که هم زبان سیاست و هم زبان علم و ادب به شمار می‌آمد ندشت بلکه از مدت‌ها پیش و مخصوصاً در دوره مغول زبان عربی از حوزه سیاست و زبان رسماً به کلی که کسی به بود و فقط زبان علم در برخی حوزه‌های علمی به شمار می‌آمد. همچنین تأثیر آن در زبان فارسی ادامه داشت اما این که چه میزان شاعران

می‌آمد.
تاثیر بورس مغول بر عربی سربایی در ایران

عربی سربایی وجود داشتند و چه حجمی از شعر عربی در این دوره سروده شده است.

نتیجه گیری:

از آنچه گفته شد تناقض ظاهری میان دو دیدگاه مطرح‌شده تا حدی برطرف شد.

می‌شود:

دیدگاهی مبتنی بر این که عصر مغولان عصر هرج و مرج سیاسی و اجتماعی و نابسامانی و آشوب بود و در این دوران شریطه به کلی ناسازگار بود که علم و ادب بود و ادبیات با صدمات جیران‌ناپذیر مواضع گرددید و دوران رکود و اضحلاح شد. را سپردی.

می‌کرد:

دیدگاه دیگر مبتنی بر این که به رغم شرایط نابسامان اجتماعی در عصر مغولان جریان سابق ادبیات استمرار داشت و آثار ادبی ارزشمندی پدید آمد و چهره‌های برجهست ادبی ظهور کردند.

اگر تناقض را به چند صورت می‌توان حل کرد:

نخست این که رکود ادبیات در عصر مغولان و به بیان آن رکود زبان و ادب عربی بر اثر سقوط بغداد امری نسبی است و شعر و ادب در این دوره اگرچه نسبت به دوره‌های پیشین در وضع‌نامناسبی قرار داشت ولی این رکود و ضعف مطلق نبود.

در دیگر این که عصر مغول، خون دوره‌ای قرب به دو قرن را شامل می‌شد که دربردارنده مقاطع مختلف تاریخی است و در هر مقاطع شریطه خاصی وجود داشته است و به ویژه نماینده اول قرن هفتتم که دوباره هجوم و ثبات و نزدیکی مغولان است از نماینده دوم با قرن هشتم که دوباره بسیاری است و استقرار در حکومت ایران‌خانی است شرایطی کامل‌اً متفاوت حاکم بوده است. نماینده اول و تا حدودی نمایه دوم قرن هفتتم بر اثر هرج و مرج شدید سیاسی و اجتماعی دوران اضحلاح ادبیات علمی و کشش‌العلما و نابودی و ویرانی کتابخانه‌های است. لذا چهره ادبی جدیدی ظهور نکرده و ادبیات بیشتر استمرار ادبیات پیش از مغولان است.
پس از حاکمیت ایلخانان و به ویژه در دوره چند ایلخان که به علم و ادب علاقه نشان دادند (مرتضوی، ص ۲۷۷) در تبعید فرقه های فرهنگی به بعد ادیبیت کم کم به تطبیق شرایط محیطی وضعیت جدیدی پیدا می کند و پیشرفت سیاست اجتماعی حاکم بر بزرگ نقاط چهارhex بزرگ ادبی ظهور می کند. در این میان اگرچه به مورض از اهمیت آن کاسته می شود و هر گز جایگاه بیش را پیدا نمی کند و یکی با این حال همواره به همراه ادب فارسی در محافل علمی و ادبی حضور دارد. اما پایان توجه که برخلاف دوران پیش از مغولان پیش از قرنهای چهارم، پنجم و ششم که در هر دوره تعداد فراوانی شاعران ایرانی عربی سرای وجود داشتند که یا فقط به عربی شعر می سروندند یا اگر به زبان فارسی هم شعر می سروندند کار اصلی آنها سردود اشعار عربی بود، در دوره مغولان به جرات می توان گفت که اوکسپایر درست به عکس یاری. یعنی عده کمی از اشعار ایرانی ژانری که در بلاد مختلف یا که به فارسی نشان می شود می سروندند و پس از نظر اشعار ایرانی اصلی که در ایران اشعار عربی می سروندند عموما کار اصلی آنها سردود نشان می رسد فارسی بود و در کثر آن اشعاری را نیز به شعر فارسی می سروندند و شهرت اصلی آنها فارسی سرایی بود. از این رو در این دوره در ایران به ندرت شاعری را سراغ داریم که شهرت اصلی او عربی سرایی باشد. این تفاوت اصلی عربی سرایی در عصر مغولان با دوران پیشین است و به همین علت در این دوران مبتلا مستقلی که دربدرنده اشعار عربی شاعران این دوره باشد مردم تیاده است و این امر تحقق دربیاره اشعار ایرانی عربی سرایی را دشوار ساخته است.

مباحث
این، عزالدین، تاریخ کامل پرخرج اسلام و ایران، ج ۹، ترجمه ابولا قاسم حانیت، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی.

ابوالشایسته، عباس، تاریخ ادبیات ایران، تاریخ مفصل ایران، تاریخ مغول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۶.

پروین، ادوارد، از سعدی تا جامی، ترجمه علی اصغر حکمت، انتشارات این سیما، ۱۳۵۱.

جواده، از سعدی تا سعدی، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران، انتشارات مرودی، ۱۳۵۱.

جعفر، عظیم‌السلطان، تاریخ جهانگیر، تصحیح محمد قریبی، ۱۳۲۹.
تأثیر بروس مکول بر عربی سراوی در ایران

حاج سید جوادی، حسن، ملاحظات تطبیقی در ادبیات دوران مکول، مجموعه مقالات اولین سمینار تاریخی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹.

خواندمیر، حیبت‌السیر، ج. ۳ با مقدمه جلال الدین همایی، کتابفروشی خیام، ۱۳۶۲.

رجایی، احمدعلی، فرهنگ اشعار حافظ، تهران، علمی، ۱۳۷۵.

صفا، ذیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۷۴.

ضیف، شوقي، تاریخ ادبیات العربی، عصر الدول و الآداب، دارة المعارف، قاهره، ۲۰۰۵.

غریب، قاسم، بحث در آثار و افکار حافظ، تهران، زوار، ۱۳۴۰.

فروخ، عمر، تاریخ ادب العربی ج ۱، دارالعلم للملايين، بروت، ۲۰۰۸.

فضیلی، محمود، کتابخانه‌های بزرگ از بروس مکول... مجموعه مقالات اولین سمینار تاریخی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹.

مرتضوی، منوچهر، مسائل عصر ادبیات ایران، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۷۸.

مستوفی، حمیدالله، تاریخ کریمه، به اهتمام عبدالحسین نوابی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.